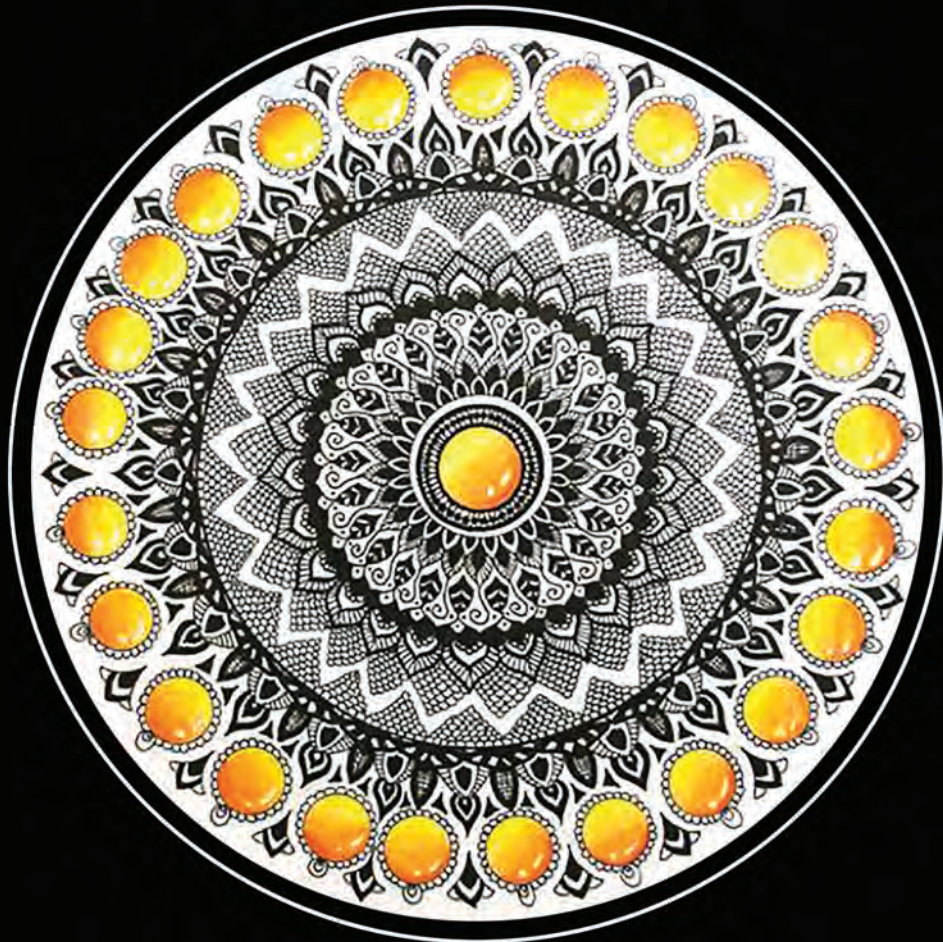




سال چهارم، شماره چهارم، اسفند ۱۳۹۶، ۱۶ صفحه

نقش خیال، گاهنامه کانون هنرهای تجسمی دانشگاه صنعتی شریف  
 صاحب امتیاز: کانون هنرهای تجسمی دانشگاه صنعتی شریف  
 مدیر مسئول: مهسا یزدی فرد  
 سردبیر: زهرا اکبری  
 اعضای هیات تحریریه: مهسا یزدی فرد، زهرا اکبری، مهسا حسینی، امین عبدالرحیمی، حامد شیرزاد  
 همکاران این شماره: علیرضا فهیمی، سید حسین فاطمی، یوسف شاهچراغی، مهیار عرفانیان  
 امیرحسین نویختی، امیرحسین اکبری  
 حمایت و پشتیبانی دبیرخانه نشریات دانشگاه صنعتی شریف

# «ماندلا» یا «ماندالا» یا «مَندَلَه» ؟ مسئله این است...



۱۵ معرفی تازه‌های هنر



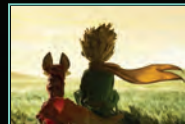
۱۳ معرفی هنرمند



۱۱ نمایشگاه نقش خیال



۹ آموزش هنر مندله



۸ مرد آچار فرانسه



۲ بیا با دایره دوست شو



## هنرمندنا

زهرا اکبری ورودی ۹۵ - مهندسی شیمی

روی برگه! از حقه هایی که بصورت فراگیر در اغلب جاها اعم از فضاهای مجازی و یاحتی برخی از آموزشگاه های هنری صورت میگیره! باور کن اینها هنر نیس! پرکردن جیب با صادر کردن تبصره های جورواجور هنر نیس!

هنر چیزیه که از عمق روح و جان به واسطه خلاقیت و قدرت ذهن بلند میشه و مقصدش جایی نیست جز جان و روح بیننده، خواننده و یا شنونده. و هنرمند کسیه که باید به این صعود و فرود کمک کنه، کم نیستن هنرمندانی از این دست هنرمندانی که والا بودن روح و جانشون زبازد عام و خاصه، کم هم نیستن هنرمند نماها... متأسفانه روز بروز در جامعه ی هنری شاهد رشد بی رویه این دسته هستید! جمعیتی که با یک بار قلم دست گرفتن، بایکبار دوربین دست گرفتن ("canon" یا "nikon")

، بایک بیت شعر سرودن و ... میشوند هنرمندترین هنرمندان! صاحب نظرترین صاحب نظران در عرصه هنر ... در انتها کلام خودم رو با ادای احترام به تمام اونایی که معنای حقیقی هنر رو درک کردن و در عمل و رفتار هم اینو نشون میدن خاتمه میدم.

آمیخته شدن زندگی روزمره ما با فضای مجازی، اصطلاح "هنرمند مجازی" یا "هنرمند نما" رو باعث شده. حتما زیاد با لغاتی مثل: "Artist, composer, writer, poet, photographer, designer, musician" ... an

در بیوهای شبکه های اجتماعی مواجه شده اید! این بیوها در فضای مجازی همه ی مارو تبدیل کرده به نقاش، آهنگساز، نویسنده، شاعر، عکاس و... که به واسطه اینها خودمونو هنرمند تلقی میکنیم یا لاقلاً انتظار داریم اینجور خطاب بشیم! بدون اینکه حتی دوره های آکادمیک گذرانده باشیم، و یا ذره ای از خلاقیت، استعداد های اکتسابی و ذاتی بهره گرفته باشیم!

از طرف دیگر صفحاتی در فضای مجازی دیده میشه که تنها هدفشون درآمد زاییه و غالباً بازار کارشون تو برهه های خاصی از زمان مثل ولنتاین، یاسالگرد های نامزدی/ تولد/ ازدواج، داغ داغه! عموماً هم باشعار هایی از این قبیل: عشقتان را به معشوق یا معشوقه ی خود اثبات کنین، (تخفیف به مناسبت ولنتاین!) تنها کافیست سفارش نقاشی/ طراحی عکس معشوق/ معشوقه خود را به ما بسپارید. تنها زحمتشون کپی پیست کردن طرح دلخواهتون با ویدیو پروژکتور

## بیا با دایره دوست شو

امیر حسین نوبختی - ورودی ۹۳ مهندسی مواد

امیر حسین اکبری - ورودی ۹۴ مهندسی مواد

روی صورتش دلسردم کرد. آخر مگر می شود که یک منحنی این قدر بی رحم باشد؟

به یاد گذشته ها افتادم. همان روزی که دلم لرزید. دوم دبستان بودم. همان روزهایی که من و منحنی دوستای خوبی برای هم بودیم. آن روز مریض بودم ولی به هر زحمتی بود خودم را به کلاس نقاشی رساندم. معلم به کلاس وارد شد. همان ابتدا گفت: «می دانم یکی از شما به کلاس علاقه فراوانی دارد به حدی که در اوج بیماری به کلاس آمده و او کسی نیست جز امیر حسین<sup>۱</sup> (به تک تک بچه ها نگاه کرد و در انتها انگشتش را به سوی من نشانه رفت).» بهت زده شدم. نمی دانستم چه شده ولی خیلی خوشحال بودم. آخر متوجه شدم مدرم پیش از رسیدن من به کلاس با یک تماس شور و اشتیاق

۱. امیر حسین نوبختی

من و منحنی دوستان خوبی برای هم بودیم. در همه نقاشی هایم بود. حتی اگر سختی با نقاشی هایم نداشت به عنوان یک دوست با خود همراهش می کردم؛ درست همان طور که وقتی کسی به یک پست و مقامی می رسد دوستانش هم به شکل کاملاً ضابطه مند به نون و نوایی می رسند. این دوستی برقرار بود. همه چیز به خوبی و خوشی پیش می رفت. در هر نقاشی بیشتر از نقاشی قبل به منحنی احساس وابستگی می کردم. به نظرم بقیه هم همین احساس را داشتند تا جایی که یکی از خوانندگان مجاز وطنی هم به لزوم وجود منحنی در زندگی هر کس اشاره نمود؛ آهنگی برایش خواند و گفت: «می خوام برات یه منحنی بسازم، همیشه روی صورتت بمونه» خلاصه همه چیز خوش و خرم بود تا این که چشمتان روز بد نبیند؛ اتفاقی افتاد که نباید. دیدن جوکر در فیلم شوالیه تاریکی با آن انحنای دلخراش



دوستی من و دایره جان می گرفت. هربار حضور دایره در نقاشی‌هایم بیشتر و بیشتر می شد. دیگر اثری از منحنی نبود. هرچند که دایره خود زائیده منحنی بود. این دایره آن قدر خواستنی شد که در مجسمه‌هایم ساختمش. او را پرستیدم. آئینی که سرانجامش **مندله** شد.

دیگر یارای سخنم نیست. امیرحسین<sup>۱</sup> برایتان از او می گوید. او هم **مندله** را دوست دارد ولی نه به اندازه من!

من برای حضور در کلاس را برای معلم نقاشی وصف کرده بود. از علاقه‌ام به کلاس نقاشی گفته بود که حتی من را در اوج بیماری به کلاس کشانده است. آن روز معلمم به من یک کتاب هدیه داد. کتاب را گرفتم. روی جلدش را دیدم. عنوانش بود: «بیا با دایره دوست شو».

دلم لرزید. بوی خیانت می داد. نمی توانستم بپذیرم ولی هدیه معلم درس مورد علاقه‌ام بود. کم کم دوستی من و منحنی رنگ می باخت و همزمان



۱. امیرحسین اکبری



است که مجموعه‌ای از دایره‌ها را به عنوان نمادی از جهان هستی در نظر می‌گیرد. در این جهان‌بینی، دایره‌ها نماد تمرکز بر خویشتن و جستجوی درونی انسان است. از این رو شاید آشنایی با فلسفه بودایی به درک این جهان‌بینی کمک کند.

آموزه‌ی بودایی، در تقابل با کیهان‌شناسی قرون وسطایی اروپا، زمین یا انسان را مرکز عالم نمی‌داند؛ بلکه بر این عقیده است که خدایان دو دسته‌اند: خدایان اصلی و خدایان فرعی یا ثانوی که هر یک در محیط بدون واسطه خود مقیم‌اند. این خدایان، موجوداتی بی‌صورت‌اند که هسته‌ی خدامحور عالم را تشکیل می‌دهند؛ در حالی

شاید تعداد افرادی که مندله را بشناسند اندک باشد. اگر کنجکاو شدید که با **مندله** بیشتر آشنا شوید، پس لحظاتی با ما باشید! مندله در زبان سانسکریت (زبان هند باستان) متولد شده و به معنی «دایره» است. تلفظ نادرست آن به شکل *ماندلا* باعث اشتباه گرفتن مفهوم آن با لغت فارسی مندل - به معنی خطی که وردنویسان دور خود کشیده و سپس درون آن نشسته و مشغول وردخوانی می‌شوند!!! - می‌شود و تلفظ نادرست آن به شکل *ماندلا* باعث اشتباه گرفتن مفهوم آن با اسم رهبر افریقای جنوبی می‌شود!!!!!!

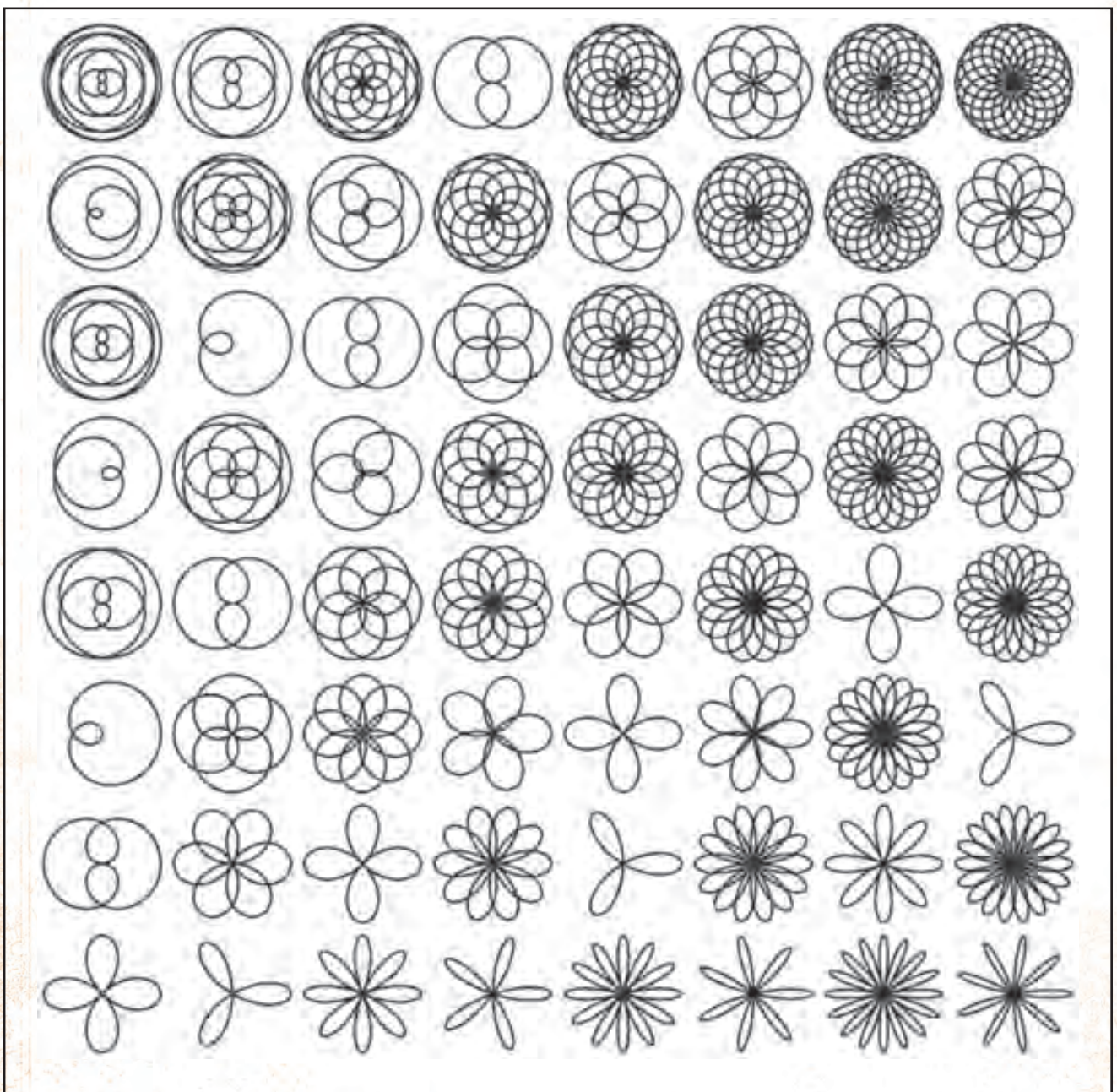
**مندله** به نوعی فلسفه‌ی آیین‌های بودایی و تبتی و آسیای شرق





مشاهده نمود. تقارن موجود توجه انسان را به مرکز آنها منعطف کرده و نماد حرکت به سمت نقطه مرکزی کمال است. از این فلسفه پیچیده بودایی که بگذریم، سخن دوست خوش‌تر است! و آن این که مندله در حد یک مجموعه تفکر و جهان‌بینی باقی نمانده و به طور گسترده پای بر پهنه‌ی بیکران هنر گذارده است! (عجب جمله‌ای گفتم!!) گستردگی آن را می‌توان در آثار متعدد هنری از معماری گرفته تا نقاشی و مجسمه‌سازی مشاهده نمود؛ نه فقط در مشرق‌زمین که حتی در آثار متعدد مغرب‌زمین. سیستم دایره‌هایی که هم مرکز هستند را بسیاری از آثار هنری دیده‌اید. از آثار ساده مانند:

که ماهیت جانداران بیرون این هسته و تابع زمان شکل می‌گیرد. این فلسفه همچین انسان را شبیه به کیهان در نظر می‌گیرد. به این صورت که جهان اطراف انسان (چرخ زمان بیرونی)، به شکل دایره‌ای بیرونی است که شخصیت انسان، به صورت دایره‌ای درون آن (چرخ زمان درونی) است. نکته اینجاست که ساختار و تناوب درونی دقیقاً با ساختار بیرونی تناظر دارد. این تناظر از طریق آموزش‌ها و معارفی که بودا معرفی می‌کند و آنرا چرخ زمان میانی یا بدیل می‌نامد، رخ می‌دهد. در واقع دایره بدیل، ارتباط و هماهنگی روح انسان با جهان هستی برای رسیدن به کمال است. این جهان‌بینی را می‌توان در دایره‌های هم‌مرکز و متقارن به خوبی



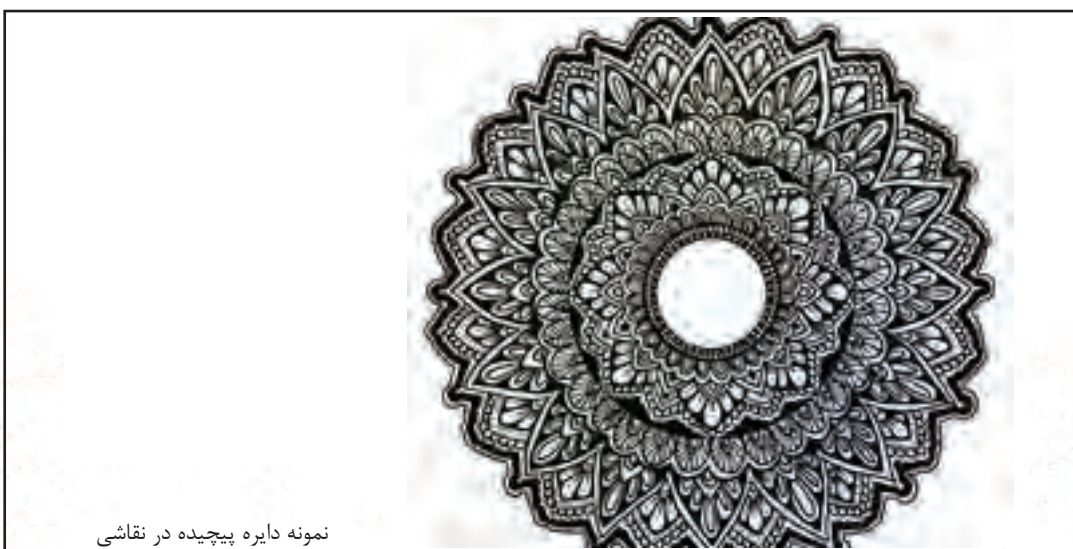
۱ آثار پیچیده و زیباتر.



نمونه دایره پیچیده در نقاشی



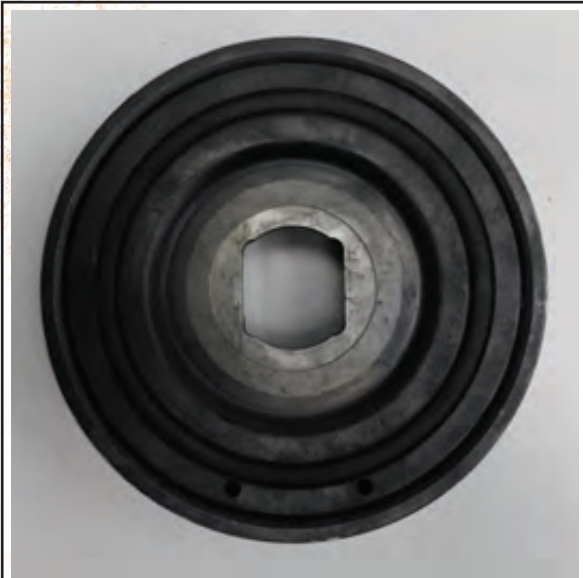
نمونه دایره پیچیده در نقاشی



نمونه دایره پیچیده در نقاشی



و همینطور در مجسمه‌سازی:



مندله در مجسمه‌سازی



مندله در مجسمه‌سازی



مندله در مجسمه‌سازی

نکته قابل توجه اینکه بسیاری از این آثار به طور غیرمستقیم و ناآگاه از این تفکر طراحی بهره می‌جویند.



## مرد آچار فرانسه

طنز

علیرضا فهیمی - ورودی ۹۵ مهندسی عمران

ریش و سیبیل خود را بلند کنید (فقط و فقط اگر پسر هستید)، عینک گرد بزنید، مثل شازده کوچولو صبح، ظهر، شب، تابستان، زمستان شال گردن بگذارید و آن وقت هر جا بروید همه می گویند اوه این هنریه. در کشور سامجانتارامپان یکی دیگر از راه های هنرمند شدن این است که بگویید من هنرمندم. چند روز پیش بود که یکی از آشنایان هی همه جا می گفت من نقاشم و در اینجا به هنرمندان بها داده نمی شود. پرسیدم "در چه سبکی نقاشی می کنی؟"، وی: "همون سبک پیکاسو دیگه!"، من: "اوه کوبیسم؟"، وی: "حالا هرچی هست اسمش!" اثر هنری اش را دیدم و به جرئت می توانم گفت که تنها نقطه ی اشتراکش با آثار پیکاسو نوک تیز بودن چیزها بود، از طرف دیگر وجه تشابهش با نقاشی پریسا چهار ساله از تهران انکار ناپذیر! گفتم این را حتی بخواهی به موزه ی دورهمی تقدیم کنی هم قبول نمی کنند که! می گفت اگر معروف بودم همین نقاشی را خدا پشتوک (واحد پول سامجانتارامپان) می خریدند. راست هم می گفت. اما مگر همه چیز پول است؟ علم ثروت است یا بهتر؟ هنر ثروت است یا بهتر؟ الان می بینیم که می گویند فلانی برای گیسه فیلم می سازد، فلانی آهنگ هایش برای جذب کنسرت است، فلانی بلد نیست بخواند ولی هر روز کنسرت دارد. آقا جدا هر کس که دور و برم هست از این خواننده های جدید که خیلی معروف شده اند بدش می آید؛ پس این همه کسانی که کنسرت این افراد می روند که هستند؟ آدم فضایی اند؟ در یک جهانی موزی با این جهان زندگی می کنند؟ دیشب با عده ای از دوستان بیرون بودیم و همه از این هایی بودیم که خواننده جدید ها را مسخره می کنند. تا پلی لیست ماشین رسید به یکی از آهنگ های ح.ه. (آن که ریش ندارد و سیبیل قشنگ است)... جوری در همخوانی با این خواننده حنجره های خود را جر دادیم، جوری با دقت، تمام متن، تحریر ها و جای آکسان ها را حفظ بودیم که نوعی اعتراف غیر مستقیم به این بود که صد و چهل بار این آهنگ را گوش کرده ایم! خلاصه این که خود سامجانتارامپان جوربست که همه می توانند هنرمند خوانده شوند، یک کچلیک می گویند و الان فیلم سینمایی بازی می کنند! دو تا های های و جان جان می کنند و با همین هشتاد هزارتا کنسرت برگزار می کنند! سامجانتارامپان همه هنرمندان؛ بعضی ها در رنگ کردن بوم و بعضی ها در رنگ کردن مردم! اگر در هنرمندی هنرمند نباشند اما در هنرمندنمایی که هنرمندند! و باز هم می گویم هنر نزد ایرانیان است و بس.

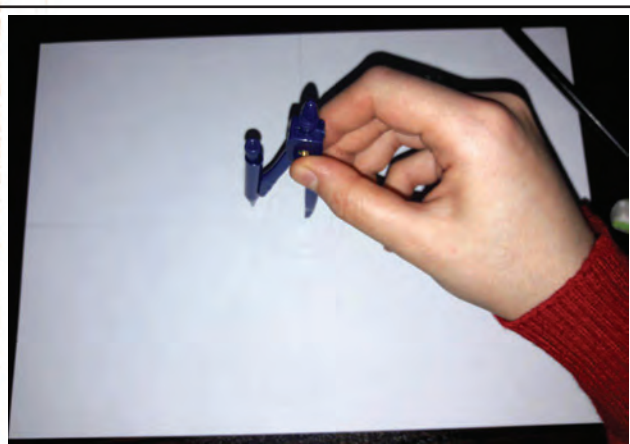
هنرمند که بود و چه کرد؟ از آنجایی که هنر نزد ایرانیان است و بس، پس قطعاً هنرمند کسی است که ایرانی باشد؛ منطقی هم هست! بالاخره حکیم ابوالقاسم فردوسی یک چیزی می دانست که این را گفته! سی سال رنج برده، خواهش می کنم روی حرفش حرف نزنید! کلا ایرانی ها همه چیز هستند. ایرانیان همه سیاست مدارند؛ معمولاً هر چقدر سطح دانش سیاسی هم بیشتر باشد، مهارت ویراژ دادن و دنده عوض کردن جوری که دنده از جایش کنده شود هم بیشتر می شود، غالباً هم نظر این است که این ها همه دستشان تو یک کاسه است! سوار یکی از این ماشین اپلیکیشنی ها بودم که به علت مسائل اسپانسرشیپ نمی توانم اسمش را ببرم اما همیشه یک بادکنک گنده به دانشگاهمان وصل کرده، راننده گفت "آقا دیدی فلانی رو سرشو کردن زیر آب؟" گفتم "بیخشید کلاً من به مسائل سیاسی زیاد کاری ندارم." یکهو لبخندش خشک شد، پدال گاز را فشار داد، سرعت مدام در حال زیاد تر شدن بود، مماس با ماشین های دیگر می راند، دنده را جوری عوض می کرد که من جای دنده دردم آمده بود! کم مانده بود هر دو مان را بکشد که داد زدم آقا به خدا همه دستشان تو یک کاسه است!!! همان موقع بود که به تدریج آثار لبخند را بر گوشه ی لبانش دیدم، سرعت را کم کرد، با ناز گوشه چشمی به من انداخت، ح.ه. (آن که ریش دارد) را پلی کرد. حالا نمی دانم می خواست به من حال بدهد یا می خواست من را تحت شکنجه روحی روانی قرار دهد! ایرانیان همه دکتر هستند و اعتقادی به مطب دکتر هم ندارند! از آنجایی که خون آریایی در رگ هایمان جریان دارد، گلبول های سفید آریایی هم در خونمان جریان دارد که خودشان ما را از شر ویروس ها و باکتری ها نجات می دهند! "مریض شدی؟ دو تا سیپروفلوکساسین بزن بالا، یه دونه بتا زتا جونزه چی هست؟ اونو بزن و تمام!" حالا این "تمام" به معنای پایان عمر من است یا پایان جمله، الله اعلم! در این کشور همه مهندسانند و به همه می گویند مهندس! اما فعلاً تنها کسی که به ما گفته مهندس مسئولین غذای سلف بودند که خسته نباشند؛ مهندس سینی رو بیار جلوتر! مهندس کارت نزدی!... و ایرانیان همه هنرمندند! راجع به این اصلاً بحث نکنید که دوباره مصراع فردوسی را رو می کنم! لازم است این را بگویم که من قصد توهین به هیچ قشری را ندارم و منظورم شما نیستید که واقعا هنرمندید! خانم سردبیر گفتند درباره ی هنرمند نماها هم بگو و ما هم ماموریم و معذور! اصلاً از این به بعد دارم درباره ی کشور سامجانتارامپان صحبت می کنم! آقا کافیست





# آموزش هنر مندله

مهسا حسینی - ورودی ۹۴ شیمی



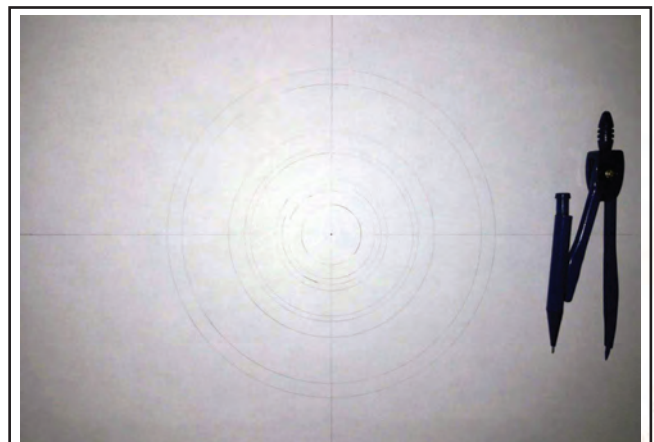
۲- وسط کاغذ را با خط کش به دست آورید و علامت بزنید.



۱- لوازم مورد نیاز: پرگار، مداد، رایپد، نقاله، خط کش، پاک کن، کاغذ سفید معمولی - اشتنباخ یا ...



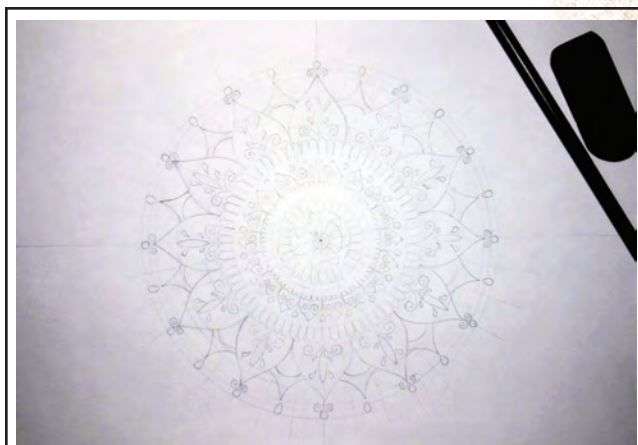
۴- به وسیله نقاله و خط کش خطوطی را با زوایای مشخص رسم کنید. برای مثال می توانید هر ۱۵ درجه روی نقاله را علامت بزنید و با خط کش به هم متصل کنید.



۳- دوائر متحدالمرکزی را با توجه به طرح مورد نظرتان با پرگار رسم کنید.



۶- پس از تکمیل طرح اولیه با راپید یا هر نوع خودکار سر نمندی دیگر طرح را بکشید.



۵- طرح مورد نظر را با مداد و خیلی کمرنگ رسم کنید و تا جایی که می‌توانید اشکال را متقارن در بیاورید.



۸- طرح نهایی تکمیل می‌شود.



۷- طرح مورد نظر را کامل نموده و خطوط مدادی را با یک پاک‌کن نرم به آرامی پاک کنید.



# نمایشگاه نقش خیال

معرفی آثار هنری دانشجویان دانشگاه صنعتی شریف

یوسف شاهچراغی ورودی ۹۵ مهندسی مکانیک



عکاسی

سید حسین فاطمی ورودی ۹۵ مهندسی مکانیک



عکاسی

مهسا حسینی ورودی ۹۴ شیمی



مدلده

امین عبدالرحیمی ورودی ۹۴ شیمی



نقاشی دیجیتال



زهرا اکبری ورودی ۹۵ مهندسی شیمی



قلم‌گیری با مرکب - مکتب اصفهان

مهیار عرفانیان ورودی ۹۵ مهندسی شیمی



مداد رنگی

عرفان حسینی ورودی ۹۵ مهندسی شیمی



طراحی

سید حسین فاطمی ورودی ۹۵ مهندسی مکانیک



عکاسی پانوراما

## معرفی هنرمند: ایلیا رپین

حامدشیرزاد- ورودی ۹۳ مهندسی کامپیوتر و ریاضی



بهتر از این هنرمند؟ زندگی نامه پرفراز و نشیب، سبک خاص، تاثیرات اجتماعی و نه چندان پرداخته شده در متون فارسی.

رپین در سال ۱۸۴۴ در اوکراین - که در آن زمان جزء خاک روسیه بود- به دنیا آمد. به دلیل نظامی بودن پدرش، کودکی و نوجوانی او محصور در یک زندگی نسبتاً خشک و بی روح شد و تحصیلات ابتدایی اش را نیز در یک مدرسه نظامی سپری کرد. در ۱۵ سالگی به شاگردی یک نقاش محلی درآمد و تا ۱۹ سالگی این کار را ادامه داد. در این دوران رپین به نقاشی در کلیساها و نقاشی روی دیوار می پرداخت و از این راه کسب درآمد می کرد. وی در سال ۱۸۶۴ به آکادمی سلطنتی هنر پیوست و فعالیت حرفه ای نقاشی اش را آغاز کرد.

در ۳۰ سالگی شروع به سفر دور اروپا کرد و در طی سفرهایش در فرانسه با مکتب امپرسیونیسم بیشتر آشنا شد. رپین در عین این که این مکتب را تحسین می کرد آن را فاقد عناصر کلیدی نقاشی خود از جمله اخلاق و تعهد اجتماعی می دانست. بعد از بازگشت از سفر وی به سمت استادی در آکادمی سلطنتی هنر رسید.

دوستی رپین با تولستوی در حدود سال ۱۸۷۸ شکل گرفت. این دو

هنگامی که نوشتن این متن را بر عهده گرفتیم از خود پرسیدیم: راجع به چه هنرمندی بنویسیم؟ اشخاص معروف با زندگی نامه های جذابشان را در ذهن مرور کردم، داوینچی بزرگ با آثار جادویی اش یا پیکاسو با سبک عجیبش یا ...؟ افرادی که با یک جستجوی ساده اطلاعات جامع و کاملی از آن ها به دست می آید و ارزشی بر این نشریه اضافه نمی کند. فکر کردم بهتر است خودم را با یافتن هنرمندی جدید به چالش بکشم. هنرمندی که زندگی هنری پرباری داشته است و در عین حال چندان معروف نیست. جست و جویم را با صفحات مکتب های هنری شروع کردم. نقاش های اکسپرسیونیست، امپرسیونیست، سورئال و ... یک صفحه برایم بسیار جذاب بود، رئالیسم اجتماعی. سبکی از هنر که در آن هنرمند از هنرش در راه توصیف وضعیت جامعه و درد محرومان استفاده می کند. آثاری که مانند کتاب تاریخ، زندگی مردمان زمانه خود را به ما می نمایانند. از بین نقاش های این سبک، نقاشی های ایلیا رپین من را به خود جذب کردند.

در مدح این هنرمند گفته شده جایگاه وی در دنیای هنر با جایگاه لئو تولستوی در ادبیات قابل مقایسه است! با خود گفتم چه هنرمندی



در سال ۱۸۸۷ وی پرتوهای از خود نیز به یادگار گذاشت. در پی فعالیت‌های اجتماعی‌اش در طی انقلاب ۱۹۱۷ روسیه، وی به استقبال انقلاب رفت و در آن دوران با نقاشی‌های متفاوت از جمله نقاشی بردگان امپریالیسم از انقلاب حمایت کرد. بسته شدن مرز میان فنلاند و روسیه در سال‌های بعد از انقلاب موجب شد ارتباط او با روسیه قطع شود. او تا آخر عمر دیگر فرصت بازگشت به روسیه را نیافت. در سال ۱۹۱۹ او آثار هنری‌اش را به گالری ملی فنلاند اهدا کرد و سرانجام در حسرت بازگشت به وطن در خاک فنلاند در سن ۸۶ سالگی چشم از این جهان فرو بست. رپین نقاشی با خوی اجتماعی بود و در آثارش رنج مردمان و طبقه کارگر را به خوبی نشان می‌داد. او در همه دوره‌ها در حمایت از مردم جامعه، آشکار و نهان از حکومت انتقاد می‌کرد. وی در آثارش چنان داستان‌های تاریخی را به تصویر کشیده‌است، گویی تصاویر نمایی از یک فیلم تاریخی هستند. از جمله این نقاشی‌ها می‌توان به تابلوی نامه قزاق‌ها به سلطان عثمانی اشاره کرد.



داستان پشت این نقاشی به این صورت است که حاکم عثمانی در جریان جنگش با روسیه، به رهبر قزاق‌ها نامه‌ای می‌فرستد و از آن‌ها می‌خواهد تا تسلیم شوند، قزاق‌ها بعد از خواندن این نامه - که مملو از ستایش حاکم عثمانی از خویش است - جمع می‌شوند و نامه‌ای تحقیر آمیز در جواب می‌فرستند. رپین صحنه‌ای که قزاق‌ها جمع شده‌اند و نظر می‌دهند و کاتب می‌نویسد را به تصویر کشیده‌است. نقاشی این اثر حدود ۱۱ سال به طول انجامیده‌است! از دیگر آثار معروف رپین می‌توان نقاشی‌های بازگشت غیر منتظره، مسیح در حال زنده کردن دختر جایروس، ایوان مخوف و پسرش، پیرمرد روستایی با چشمان شور و ... را نام برد. در یک کلام می‌توان گفت رپین صدای مظلومان زمانه خویش بود و آثارش به زیبایی تاریخ را به ما می‌نمایاند.

نفر تاثیرات عمیقی روی هم گذاشتند. تولستوی در تعریف از رپین گفته‌است: هیچ هنرمندی به خوبی رپین زندگی مردم را به تصویر نمی‌کشد.

سال‌های زیادی از زندگی رپین در سفر و به تصویر کشیدن زندگی مردمان گوناگون گذشت. رپین بر خلاف بسیاری از نقاشان هم‌دوره خود رسالت خویش را در به نمایش در آوردن زندگی روزمره و رنج مردم عامه می‌دید. بعد از این دوره از سفرها، به دلایل متعدد از جمله خستگی سفر و علاقه به تجربه دنیایی متفاوت در عالم نقاشی، او مدتی را به کشیدن پرتوهای اشخاص معروف مانند تولستوی گذراند. بیشتر پرتوهای رپین در همین دوره - دهه ۱۸۸۰ - نقاشی شده‌اند.



# Digital Paint

## معرفی تازه‌های هنری

امین عبدالرحیمی ورودی ۹۴ شیمی



نقاشی دیجیتال خود به چند زیرمجموعه تقسیم می‌شود. بخشی از آن را که بیشتر طراحی دیجیتالی شامل می‌شود می‌توان طراحی طرح‌های بزرگ و پیچیده و غیره نام برد. اما بخش اعظم آن مربوط به طراحی و ساخت انیمیشن و کاراکترهاست. این در حالی است که جمعیت هنرمندان در عرصه انیمیشن و یا طراحان حرفه‌ای سه بعدی در نقاشی دیجیتال بزرگ نیست.

ابزار لازم برای نقاشی دیجیتال نرم افزارهای نقاشی دیجیتالی:

برای این شاخه ی گرافیک نیز به مانند سایر شاخه ها، Adobe Photoshop شناخته شده ترین و پرآوازه ترین نرم افزار به شمار می‌رود و اکثر نقاش‌های دیجیتالی از این نرم افزار برای خلق آثار خود استفاده می‌کنند.

نرم افزار دیگری که به نظر من از قوت بیشتری برای طراحی برخوردار بوده و صرفاً به منظور طراحی دیجیتال ساخته شده، نرم افزار Corel Painter است. این نرم افزار با در اختیار گذاشتن قابلیت‌هایی بی شمار نظیر پالت رنگ مجازی با امکان مخلوط کردن رنگ‌ها به صورت دستی، محیطی ساده و شبیه ساز ابزارهای نقاشی

## طراحی و نقاشی دیجیتال

نقاشی دیجیتالی شاخه‌ای از گرافیک کامپیوتری است که در خلق تصاویر دیجیتالی به این روش از ابزارهایی نظیر موس و قلم نوری استفاده می‌شود و در خلق آثار هنری از هر سبکی می‌توان از آن استفاده کرد. در این سبک نقاشی حتماً به دانش نقاشی و علم طراحی احتیاج است به همین خاطر بهترین کار برای افراد مبتدی گذراندن دوره‌های مقدماتی آموزش نقاشی و طراحی می‌باشد.

تاریخچه: طراحی دیجیتال و یا به صورت کلی طراحی و نقاشی دیجیتال که مدت‌ها در اروپا و آمریکا و ... سالیانی است که بعنوان یک سبک هنری متمایز و محبوب و شناخته شده به شمار می‌رود. این در حالی است که این سبک از نقاشی در ایران تنها طی یک بازه زمانی ۱۲ تا ۱۵ سال است که دنبال می‌شود و در حال رشد است.

تعداد هنرمندان و آرتیست‌های حرفه‌ای و غیرحرفه‌ای این رشته نیز در حال افزایش است. بدلیل جذابیت آن و سهولت و فضای کاری که فقط شکلی دیجیتالی دارد به جذب طراحان و نقاشانی که ذهن و فکر خلاقانه دارند کمک می‌کند.



قیمت آن بیشتر و صد البته کارایی آن نیز افزایش خواهد یافت. در بازار سه نوع تبلت به صورت: با حساسیت پایین ولی بزرگ ابعاد به منظور نقشه‌کشی، با حساسیت‌های متوسط و بالا برای دیجیتال پینتینگ و تبلت‌هایی مجهز به صفحه‌ی نمایش سرخود به منظور خلق نقاشی‌های دیجیتالی به صورت حرفه‌ای و با تمرکز بیشتر، وجود دارند، که من برای شروع دسته بندی دوم را پیشنهاد می‌کنم که هم قیمتی مناسب‌تر داشته و هم از حساسیت قابل قبولی برخوردار هستند

مثل پاستل، مداد رنگی، آب رنگ و غیره طراحی شما را زیباتر و واقعی‌تر خواهد کرد.

قلم نوری یا تبلت یکی از اساسی‌ترین ابزارها برای طراحی دیجیتال بوده که به بیان دیگر شبیه ساز طراحی روی کاغذ برای کامپیوتر است. با قلم نوری می‌توانید مدل را اتود زده، سایه‌بندی و اشکالات را رفع کنید. یکی از مشکلات افرادی که قصد دنبال کردن این حرفه را دارند، انتخاب تبلتی مناسب و سازگار با هدفیست که دارند. تبلت‌ها را عموماً بر اساس ابعاد و میزان حساسیتی که دارند مقایسه می‌کنند در نتیجه هر چه میزان حساسیت به فشار و ابعاد صفحه بزرگتر باشد،

